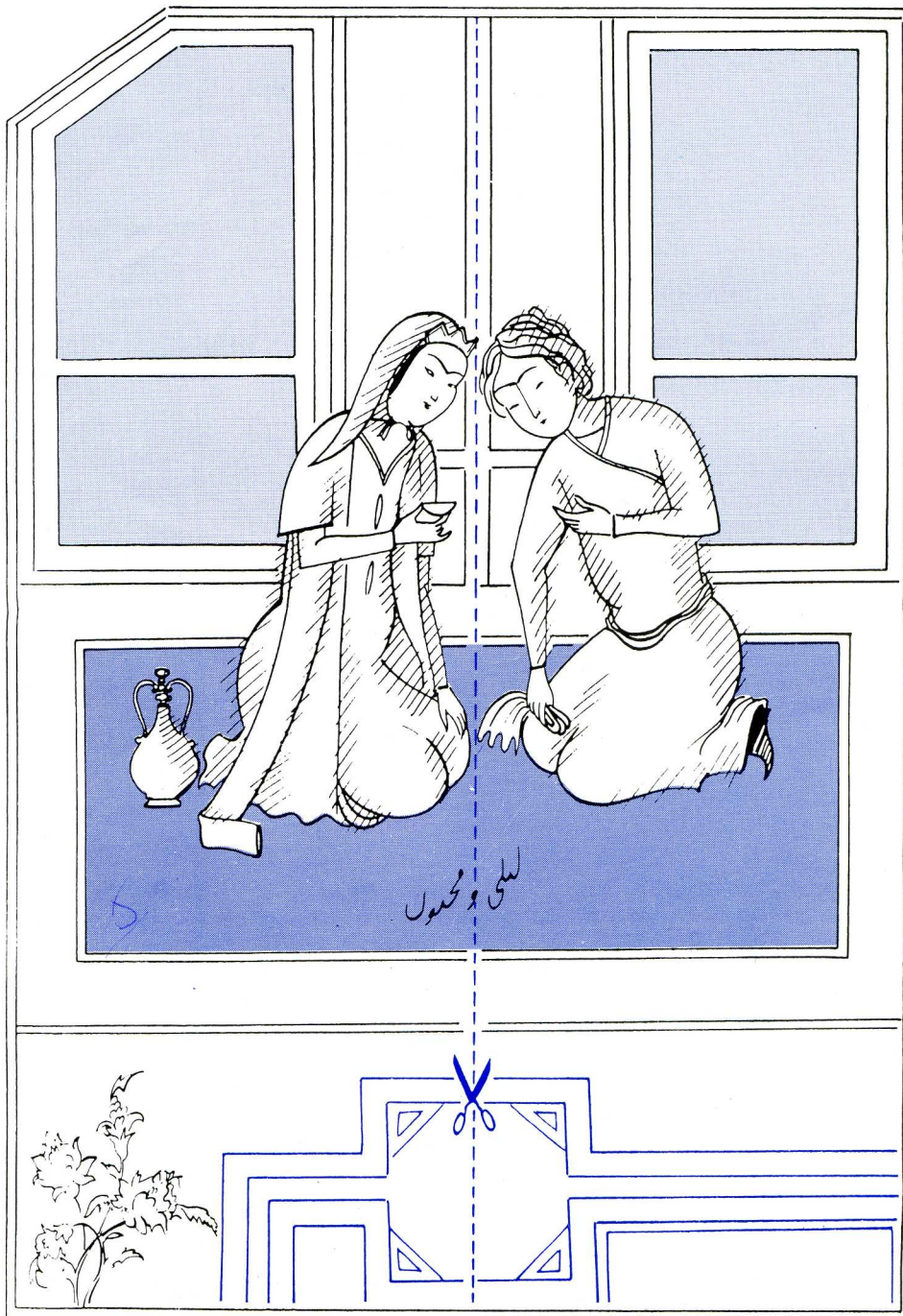


آرش

- ویژه زنان با آثاری از: سوسن روستا، حمید پارسا، سارا روزبه، مهرداد درویش پور، ایراندخت آزاده، سحر خلیفه، بهروز امین ● گفتگو با سوسن تسلیمی ● سینما یک دروغ بزرگ: رضا علامه زاده ● شاهنامه و تماشاگر امروز: محسن یلفانی ● در چهلمین سال خاموشی صادق هدایت: شاهین اعتمادی ● ادبیات آمریکای لاتین؟: فرزاد ابراهیمی ● در حاشیه ی گفتگو با یدالله رویایی مندرج در ماهنامه ی «کک»: م. پیوند ● طرح و داستان: ناصرزاعتی، مسعود نقره کار، م. رها ● شعر هایی از: ژاله اصفهانی، محمد امان، حمید رضا رحیمی، کمال رفعت صفایی، مریم غفاری، رضا مقصدی ● و ...



بهار آمده

ژاله اصفهانی

بهار آمده ،
 با کوله بار مژده ی نو .
 بهار آمده خرم
 به خانه ی من و تو .
 *
 بهار سبز شکوفان ،
 بهار آمده است .
 چگونه من نشکوفم ؟
 کم از درخت نی ام ،
 که پای تا سر خشکش
 پراز جوانه شود .
 *

هزارنغمه ی روشن ،
 تراود از دل من ،
 چمن ز چهچه مرغان ،
 چو پر ترانه شود .
 *

نه از پرنده بگیرند
 شوق خواندن را .

نه از نسیم - وزیدن .
 نه از سپیده - دمیدن .
 نه عشق روشن من را :
 به هرچه پاک ترین است
 هرچه که زیباست
 به چشمه ها و به چشمان
 به گل ،
 به سبزه ،

به نوروز ،
 که ماند گار فراسوی سایه روشن هاست .
 *

فرو روند به بحر افق ، جزایر ابر ،
 چو آفتاب شود .

اگر که کوه یخ قطبی است ، قله ی غم ،
 از آفتاب بهار امید ،
 آب شود .
 *

بهار آمده
 با کوله بار مژده ی نو .
 بهار آمده خرم ،
 به خانه ی من و تو .

اسفند ۱۳۷۰



گزارش

حمید رضا رحیمی

سالی که گذشت

سال عشق بود

عشقی میهمان ،

در اطاقکی بی در ،

بی پنجره .

* *

درسالی که گذشت

ماهیان بی شماری ،

در آب ،

غرق شدند -

و هزاران سیب سرخ

خود را

از درختان

آویختند .

* *

سالی که گذشت

سال خنده های کاغذی من بود

زیر بارانهای مکرر این شهر

سال پیروزی چیزی بود ،

بر چیزی دیگر

و سالی بود

که قلبی شیشه ای

زیر ضربانهای خود ،

شکست

چند رباعی

رضا مقصدی

بگشا ! بگشا ! دریچه ها را بگشا !
 برخاطره ها ، دریچه ها را بگشا !
 با تو دل من ، هوای دیگر دارد
 شادی مرا ، دریچه ها را بگشا !
 * * *

از پونه ، پیام آشنا می آید
 عطرِ علف از عاطفه ها می آید
 خیزید و به روی عاشقان ، گل ریزید !
 ای منتظران ! بهار ما می آید
 * * *

زیبایی باغِ ارغوانِ وطنم
 چون عشق ، به جان عاشقان پیرهنم
 شور و تیش زمانه در من ، جاریست
 آوازِ ترم ، ترانه ترکمنم
 * * *

باران ، باران ، بوباره باران آمد
 مهمانِ زلالِ شاخساران آمد
 آمد که امید کشته را سبز کند
 یاران ! باران ، به کشتزاران آمد
 * * *

خوانده ست سرودِ جویباران ، ما را
 زیبایی گلخندِ بهاران ، ما را
 ای شعله هر شکفته ، ای آتش عشق !
 برخیز و برانگیز و بسوزان ! ما را

